

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه علوم تربیتی

عنوان:

برنامه درسی پنهان: شیوه‌های مدیریت کلاس معلمان در مدارس و ارتباط
آن با تأییدجویی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر سنندج

پژوهشگر:

نعمت‌الله ناصرزاده

استاد راهنما:

دکتر مصطفی قادری

استاد مشاور:

دکتر ناصر شیربگی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش برنامه‌ریزی آموزشی

مهر ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوریهای ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

تعهد نامه

اینجانب نعمت الله ناصرزاده دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی آموزشی دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه علوم تربیتی تعهد می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

نعمت الله ناصرزاده

۱۳۸۹/۷/۱۸

تقدیم به دو شمعی

که عاشقانه سوختند تا من در تاریکی رشد نکنم

و

تقدیم به همه کسانی که بدون هیچ گونه تعصبی در

راه اعتلای دانش بشری گام بر می دارند.

تقدیر و تشکر

از اساتید محترم گروه علوم تربیتی آقایان دکتر مصطفی قادری (استاد راهنما) و همچنین جناب آقای دکتر ناصر شیربگی (استاد مشاور) که با راهنمایی‌ها و مشاوره‌های خود بنده را در انجام این پژوهش حمایت کردند کمال تشکر و قدردانی را به عمل می‌آورم.

چکیده

یکی از مهم‌ترین انواع برنامه درسی، برنامه درسی پنهان؛ یکی از مهم‌ترین ابعاد آن، شیوه مدیریت و برخورد معلم با دانش‌آموزان و یکی از مهم‌ترین مسائل دوران ابتدایی تأییدجویی دانش‌آموزان از معلم است. زیرا هر یک از دانش‌آموزان دوست دارند که مورد توجه و تشویق معلم خود قرار گیرند. به همین خاطر است که در دوران ابتدایی بیشتر از آن‌که دانش و معلومات معلم برای دانش‌آموزان مهم باشد نحوه برخورد و رفتار معلم با آن‌ها مهم می‌باشد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی مدیریت کلاس معلمان در مدارس به عنوان جزئی از برنامه درسی پنهان و ارتباط آن با تأییدجویی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر سنندج می‌باشد. روش انجام پژوهش از نوع میکس متود و جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر سنندج که در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل بوده‌اند می‌باشد. و نمونه این پژوهش یک نمونه در دسترس (نمونه هدفمند) و شامل دو کلاس می‌باشد که، یکی از آن‌ها دارای معلمی است که در اداره کلاس از روش اقتدارگرا استفاده می‌کند و دیگری دارای معلمی است که در اداره کلاس از روش استقلال‌گرایانه استفاده می‌کند. ابزار اندازه‌گیری نیز شامل مشاهده مستقیم و پرسش‌نامه محقق ساخته است که برای تضمین روایی و پایایی آن از نظرات متخصصان علوم تربیتی استفاده شده است. و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از آمار توصیفی، درصد و فراوانی استفاده شده است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که، معلم اقتدارگرا در اداره کلاس بیشتر دانش‌آموزان را کنترل می‌کند، در کلاس او تقسیم قدرت زیادی به چشم می‌خورد و تعداد معدودی از دانش‌آموزان مورد توجه معلم هستند، دانش‌آموزان او از اعتماد به نفس پایینی برخوردار هستند به گونه‌ای که حتی زمانی که دانش‌آموزان زرنگ کلاس پایه تابلو می‌روند دچار استرس و اضطراب می‌شوند. ولی در کلاس معلم استقلال‌گرا معلم به همه دانش‌آموزان به یک نحو نگاه می‌کند و به همه آن‌ها توجه دارد، دانش‌آموزان حتی دانش‌آموزانی که از نظر درسی پایین‌تر از دیگران هستند هنگام رفتن پایه تابلو استرس ندارند، روابط دانش‌آموزان با هم و با معلم مبتنی بر صمیمیت است، معلم کمتر از تنبیه و بیشتر از تشویق استفاده می‌کند.

واژگان کلیدی: برنامه درسی. برنامه درسی پنهان. مدیریت کلاس. تأییدجویی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول (کلیات تحقیق).....
۱-۱-۱	مقدمه.....
۲-۱	بیان مسئله.....
۳-۱	اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۴-۱	اهداف پژوهش.....
۵-۱	سؤالات پژوهش.....
۶-۱	تعریف عملیاتی واژگان کلیدی.....
۱۰	فصل دوم (مبانی نظری و پیشینه تحقیق).....
۱-۲	مقدمه.....
۲-۲	برنامه درسی.....
۳-۲	برنامه درسی عقیم.....
۴-۲	برنامه درسی پنهان.....
۱-۴-۲	عوامل مؤثر در شکل‌گیری برنامه درسی پنهان.....
۲-۴-۲	ابعاد برنامه درسی پنهان.....
۳-۴-۲	دیدگاه‌های برنامه درسی پنهان.....
۴-۴-۲	مهم‌ترین ویژگی‌های برنامه درسی پنهان.....
۵-۲	مدیریت کلاس.....
۱-۵-۲	توانایی‌ها و ویژگی‌های معلم.....
۲-۵-۲	انضباط و مدیریت کلاس.....
۳-۵-۲	عوامل مؤثر در اداره و کنترل کلاس.....
۱-۳-۵-۲	شخصیت معلم.....
۲-۳-۵-۲	دانش معلم.....
۳-۳-۵-۲	مهارت‌های تدریس.....
۴-۵-۲	تدریس و مدیریت کلاس.....
۵-۵-۲	دانش آموزان مسئله‌دار و مدیریت کلاس.....
۶-۵-۲	شیوه‌های نظارت معلمان بر کلاس.....
۱-۶-۵-۲	نظارت بر کلاس از راه فعالیت‌های آموزشی.....
۲-۶-۵-۲	برقراری انضباط یا نظارت بر رفتارهای اجتماعی در کلاس.....

۴۲	تأییدجویی.....۶-۲
۴۵	پیشینه پژوهش.....۷-۲
۴۵	تحقیقات داخلی در مورد برنامه درسی پنهان.....۱-۷-۲
۴۸	تحقیقات داخلی در مورد مدیریت کلاس درس.....۲-۷-۲
۴۹	تحقیقات داخلی در مورد تأییدجویی.....۳-۷-۲
۵۰	تحقیقات خارجی در مورد برنامه درسی پنهان.....۴-۷-۲
۵۲	تحقیقات خارجی در مورد مدیریت کلاس.....۵-۷-۲
۵۹	جمع بندی.....۸-۲
۵۸	فصل سوم (روش تحقیق).....
۵۸	مقدمه.....۱-۳
۵۸	روش تحقیق.....۲-۳
۵۹	جامعه آماری.....۳-۳
۵۹	نمونه و روش نمونه گیری.....۴-۳
۵۹	روش جمع آوری داده‌ها و ابزار اندازه گیری.....۵-۳
۶۰	روش تجزیه و تحلیل داده‌ها.....۶-۳
۶۱	فصل چهارم (یافته‌های تحقیق).....
۶۱	مقدمه.....۱-۴
۶۱	ارائه یافته‌های توصیفی.....۲-۴
۶۲	ارائه یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه و مشاهدات مستقیم.....۳-۴
۸۸	فصل پنجم (بحث و نتیجه گیری).....
۸۸	مقدمه.....۱-۵
۸۹	بحث و نتیجه گیری.....۲-۵
۹۵	پیشنهادهاى کاربردى.....۳-۵
۹۶	پیشنهاداتی جهت پژوهش‌های آتی.....۴-۵
۹۶	محدودیت‌های پژوهش.....۵-۵
۹۸	منابع فارسی.....
۱۰۵	منابع لاتین.....
۱۰۸	پیوست ۱.....
۱۱۱	پیوست ۲.....

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۴-۱ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال هشتم پرسش نامه.....	۶۴
جدول ۴-۲ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال نهم پرسش نامه.....	۶۵
جدول ۴-۳ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال دهم پرسش نامه.....	۶۶
جدول ۴-۴ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال یازدهم پرسش نامه.....	۶۷
جدول ۴-۵ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال دوازدهم پرسش نامه.....	۶۸
جدول ۴-۶ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال سیزدهم پرسش نامه.....	۶۹
جدول ۴-۷ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال چهاردهم پرسش نامه.....	۷۰
جدول ۴-۸ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال پانزدهم پرسش نامه.....	۷۱
جدول ۴-۹ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال شانزدهم پرسش نامه.....	۷۲
جدول ۴-۱۰ تقسیم قدرت و نحوه توجه معلم به دانش آموزان.....	۷۴
جدول ۴-۱۱ روابط معلم با دانش آموزان.....	۷۵
جدول ۴-۱۲ نحوه تشویق و تنبیه معلم در کلاس.....	۷۶
جدول ۴-۱۳ احساس آزادی و امنیت دانش آموزان در کلاس.....	۷۸
جدول ۴-۱۴ روابط دانش آموزان با همدیگر.....	۷۹
جدول ۴-۱۵ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال هفدهم پرسش نامه.....	۸۰
جدول ۴-۱۶ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال هیجدهم پرسش نامه.....	۸۱
جدول ۴-۱۷ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال نوزدهم پرسش نامه.....	۸۲
جدول ۴-۱۸ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال بیستم پرسش نامه.....	۸۳
جدول ۴-۱۹ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال بیست و یک پرسش نامه.....	۸۴
جدول ۴-۲۰ توزیع فراوانی پاسخ دهندگان به سؤال بیست و دو پرسش نامه.....	۸۵
جدول ۴-۲۱ درصد کلی پاسخ دهندگان به سؤالات پرسش نامه.....	۸۷

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۶۲	نمودار ۴-۱ فراوانی دانش آموزان دو کلاس.....
۶۳	نمودار ۴-۲ درصد پاسخ دهندگان به سؤالات شناختی.....
۶۴	نمودار ۴-۳ درصد پاسخ دهندگان به سؤال هشتم پرسش نامه.....
۶۵	نمودار ۴-۴ درصد پاسخ دهندگان به سؤال نهم پرسش نامه.....
۶۶	نمودار ۴-۵ درصد پاسخ دهندگان به سؤال دهم پرسش نامه.....
۶۷	نمودار ۴-۶ درصد پاسخ دهندگان به سؤال یازدهم پرسش نامه.....
۶۸	نمودار ۴-۷ درصد پاسخ دهندگان به سؤال دوازدهم پرسش نامه.....
۶۹	نمودار ۴-۸ درصد پاسخ دهندگان به سؤال سیزدهم پرسش نامه.....
۷۰	نمودار ۴-۹ درصد پاسخ دهندگان به سؤال چهاردهم پرسش نامه.....
۷۱	نمودار ۴-۱۰ درصد پاسخ دهندگان به سؤال پانزدهم پرسش نامه.....
۷۲	نمودار ۴-۱۱ درصد پاسخ دهندگان به سؤال شانزدهم پرسش نامه.....
۸۰	نمودار ۴-۱۲ درصد پاسخ دهندگان به سؤال هفدهم پرسش نامه.....
۸۱	نمودار ۴-۱۳ درصد پاسخ دهندگان به سؤال هیجدهم پرسش نامه.....
۸۲	نمودار ۴-۱۴ درصد پاسخ دهندگان به سؤال نوزدهم پرسش نامه.....
۸۳	نمودار ۴-۱۵ درصد پاسخ دهندگان به سؤال بیستم پرسش نامه.....
۸۴	نمودار ۴-۱۶ درصد پاسخ دهندگان به سؤال بیست و یک پرسش نامه.....
۸۵	نمودار ۴-۱۷ درصد پاسخ دهندگان به سؤال بیست و دو پرسش نامه.....
۸۶	نمودار ۴-۱۸ درصد مقبولیت معلمان استقلال گرا و اقتدار گرا از نظر دانش آموزان.....

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

هر چه زمان می‌گذرد این نظریه بیشتر قطعیت می‌یابد که پیدایش صفات و ویژگی‌های رفتاری هر فرد در سنین بالاتر به نحو قاطع و مؤثر از رویدادهای عاطفی و تجارب دوران طفولیت او مایه می‌گیرند. در واقع می‌توان گفت که همین وقایع و تجارب دوران کودکی هستند که عامل بنیانی سلامت یا بیماری روان آدمی در سنین بعد بشمار می‌روند. سرشت و شخصیت هر فرد در نخستین سال‌های زندگی شکل می‌گیرد و شاید حساسیت کودک نسبت به محیط زندگی و تأثیرات ذهنی او در قبال وقایع که در اطرافش رخ می‌دهند از اولین روز تولد آغاز می‌شود و ناتوانی در بدست آوردن غذا، حفظ و حراست شخصی و همچنین احساس نیاز به دوستی و جلب حمایت دیگران تا زمانی دراز این اتکاء و وابستگی را در کودک باقی می‌گذارد. بنابراین دوره ابتدایی از تأثیرگذارترین دوره‌های رشد در زندگی دانش‌آموزان است به گونه‌ای که قسمت اعظم شخصیت دانش‌آموزان در این دوران شکل می‌گیرد و تغییر دادن آن در دوره‌های بعدی مستلزم صرف وقت و هزینه‌های زیاد است. در این دوره سنی است که دانش‌آموزان در معرض پیام‌های ارزشی، باورها و هنجارهای جاری در مدرسه قرار می‌گیرند و آن‌ها را درونی می‌سازند. نظام آموزش و پرورش هر جامعه نیز از انتقال پنهان و آشکار ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های خاص به فراگیران فارغ نیست. در مدرسه دانش‌آموزان طی

دوره‌ای طولانی که تأثیرپذیرترین دوره‌های رشد فردی است، در معرض آموزش برنامه‌های آشکار و مدون قرار دارند و ضمن آن تجاربی را کسب می‌کنند که به شکل غیر مستقیم یا غیر آگاهانه شکل‌دهنده فرهنگ و ارزش‌های مورد پذیرش آنان است. اثربخشی این تجارب به مراتب بیشتر از روش‌های مستقیم و کوشش‌های آگاهانه است (علوی و همکاران، ۱۳۸۶). علاوه بر این کارکنان مدرسه و خصوصاً معلمان نقش بسیار مهم و تسهیل‌کننده در فرآیند رشد را به‌عهده دارند. بنابراین مدرسه و کلاس درس مکانی است که می‌تواند زمینه رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان را فراهم آورد. حال اگر قرار است در مدرسه رشد صورت گیرد و آن رشد همه‌جانبه باشد نیاز به ملزومات خاصی از قبیل مسائل فیزیکی، محتوا، نیروی انسانی، نوع تعامل بین افراد و ... است. یکی از عوامل مخمل که این فرآیند را دچار مشکل می‌کند، مسائل انضباطی و مشکلات رفتاری برخی از دانش‌آموزان در کلاس و مدرسه است. در یک کلاس یا مدرسه انواع مشکلات با درجات متفاوتی با توجه به عوامل و دلایل مختلف بروز می‌کند که کار معلم و مدرسه را در رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت و رشد دانش‌آموزان دچار مشکل می‌کند. منظور از مشکلات مدیریتی کلاس، هرگونه موقعیتی است که محیط یادگیری را مختل می‌کند و یا موجب حواس‌پرتی دانش‌آموزان و یا معلم می‌شود. قطعاً اداره کارآمد کلاس یگانه راه آموزش و یادگیری کارساز و موفق است (موسوی، ۱۳۸۷). همان‌گونه که روان‌شناسان بیان می‌کنند، مهم‌ترین دلیل بدرفتاری بچه‌ها در مدرسه به منظور جلب توجه است. کودکان از تشویق و تمجید و از اینکه تأیید بشوند لذت می‌برند. در مدرسه و حتی در خانه زمانی کودکان مورد تأیید قرار می‌گیرند، که کارهای خاص و یا بالاتر از توان خود را انجام داده باشند ولی کودکان نیاز دارند که به خاطر همان چیزی که هستند صرف‌نظر از آنچه می‌توانند انجام دهند مورد تأیید و پذیرش قرار گیرند. تقریباً در مورد همه کودکان این موضوع مصداق دارد که تحسین، تأیید کردن و تشویق کردن بیشتر از تنبیه و عیب‌جویی می‌تواند رفتاری را در کودکان نهادینه کند که بزرگسالان خواهان آن هستند.

۱-۲- بیان مسئله

با آن‌که در دهه‌های اخیر، مفهوم برنامه درسی پنهان و لزوم توجه به آن نقش محوری و ویژه‌ای را در مطالعات و تحقیقات برنامه درسی ایفا کرده است در کشور ما وجه غالب توجه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و محققان، برنامه درسی رسمی یا آشکار بوده است. لذا بخش قابل توجه‌ای از برنامه‌های درسی که دانش‌آموزان در نظام‌های آموزشی عملاً در معرض آن قرار می‌گیرند، خصوصاً

اثر نیرومند برنامه درسی پنهان ناشی از محیط اجتماعی مدرسه بر روی دانش‌آموزان مورد کم توجهی و غفلت قرار گرفته است (علیخانی و مهر محمدی، ۱۳۸۴). برنامه درسی پنهان ابعاد گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، از جمله: جو اجتماعی مدرسه، روابط دانش‌آموزان با هم و با معلمان خود، ظاهر فیزیکی مدرسه و کلاس درس و غیره. یکی از این ابعاد، نحوه مدیریت کلاس درس معلم در مدرسه است که در این پژوهش به عنوان جزئی از برنامه درسی پنهان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اکثر معلمان معتقدند که رفتار نامطلوب و نامناسب دانش‌آموزان در جریان تدریس اختلال ایجاد می‌کند. اندیشمندانی چون اریکسون و آبراهام مازلو نیاز به جلب توجه را ویژگی تمام انسان‌ها خصوصاً کودکان و نوجوانان می‌دانند. این ویژگی در اوایل سال‌های زندگی، حالت حیاتی دارد. دردناک‌ترین احساس برای یک کودک یا نوجوان این است که از طرف والدین، اطرافیان و معلم به حساب نیاید. دریافت توجه حتی به صورت خشم، اغلب خوشایندتر از به حساب نیامدن و بی‌توجهی برای نوجوانان است. وقتی که کودک و نوجوان می‌فهمد که تنها راه به دست آوردن خواسته‌ها و جلب توجه به خود، بلند فریاد زدن است مطمئناً از آن دریغ نمی‌کند و شاید به رفتارهای مخرب‌تری نیز متوسل شود. این بی‌توجهی احتمال دارد از طرف والدین، معلم، عوامل مدرسه و اطرافیان به طرق مختلف باشد و شاید در برخی موارد، نتیجه برداشت کودکان یا نوجوانان از یک سری مسائل خاص باشد. ولی در هر حال بی‌توجهی سبب بروز رفتار نامناسب از طرف افراد می‌گردد. شکست در تحصیل، خود پنداره ضعیف، اعتماد به نفس آسیب دیده، مشکلات فردی، شیوع تربیت نادرست والدین، وجود برخی مشکلات در مدرسه و غیره سبب می‌شود که بی‌توجهی فرد را حساس و رنجیده خاطر و مترصد عکس‌العمل‌های منفی نماید. یکی از عوامل مخل که جریان رشد همه‌جانبه در مدرسه را دچار مشکل می‌کند، مسائل انضباطی و مشکلات رفتاری برخی از دانش‌آموزان در کلاس و مدرسه است. برای کاهش مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان تنها دانش و مهارت‌های علمی معلمان و مدیران کفایت نمی‌کند و لازم است متولیان تعلیم و تربیت، مجهز به یک سری از مهارت‌های اجتماعی باشند تا بتوانند با برقراری روابط عاطفی بهتر و فراهم آوردن محیط مناسب برای یادگیری، گام‌های اساسی در کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان و ارتقای کیفیت آموزش برداشته شود. اساس و بنیاد مدیریت رفتار مؤثر، داشتن روابط مثبت با دانش‌آموز است. ارتباط مثبت، پیوند محکمی بین معلم و دانش‌آموزان برقرار می‌کند. بدون این پیوند معلم برای تحت تأثیر قرار دادن و هدایت کردن دانش‌آموزان ضعیف خواهد بود. ایجاد رابطه مثبت، درک همدلانه،

برقراری ارتباط مطلوب، توجه به نیازهای دانش‌آموزان و... کمک خوبی برای ایجاد یک محیط مطلوب برای یادگیری و رشد خواهد بود. علاوه بر این یکی از مشکلاتی که کودکان و نوجوانان دارند این است که به خود اعتماد ندارند. این عدم اعتماد دو علت اساسی دارد، اول آن‌که کودکان و نوجوانان هنوز وضع‌شان تثبیت نشده است و در هر کار و جریانی دست و دلشان می‌لرزد و تردید دارند، نمی‌دانند، می‌توانند یا نمی‌توانند. دوم این‌که بزرگترها مجال و فرصت لازم را به آنان نمی‌دهند، یعنی نمی‌گذارند کودکان و نوجوانان ارزشمندی‌های خود را بروز دهند. همیشه با کلمه هنوز زود است یا این‌که کار شما نیست کودکان و نوجوانان را دلسرد می‌نمایند و از انجام کارها و خلق ابتکارات ممانعت به عمل می‌آورند. نکته بسیار دقیقی که می‌توان آن را علت اساسی دانست این است که در خانواده‌ها و محیط مدارس اساساً روح تأیید و صحت گذاشتن وجود ندارد، لذا کودکان و نوجوانان این مرز و بوم جزء عده‌ای، همه عملاً تحقیر شده هستند و رغبت‌ها و علاقه‌ها در آنان مرده است (قورچیان، ۱۳۷۷). ما باید بدانیم که برای ساختن انسان در درجه اول باید او را تأیید کنیم چرا که با تأیید، موجودیت او را تثبیت می‌کنیم. بدیهی است که کودک و نوجوان وقتی توسط دیگران مورد تأیید قرار می‌گیرد به خود اعتماد پیدا کرده و همین اعتماد راه پیشرفت را برای او فراهم می‌کند. بهترین راه برای این‌که دانش‌آموزان نسبت به خود اعتماد به نفس پیدا کنند این است که مورد تأیید معلمان خود قرار گیرند و معلمان با این کار به آنان جان و رمق می‌دهند و دانش‌آموزان خود به خوبی در می‌یابند که در اثر تشویق و مورد تأیید قرار گرفتن‌شان از طرف معلم پیشرفت کرده و موفق شده‌اند و خود را مدیون تأیید معلمان و دیگران می‌دانند. از طرف دیگر وقتی که کودکان و نوجوانان مورد تأیید والدین و مربیان خود قرار نمی‌گیرند ممکن است که در آینده دچار رفتارهای پرخاشگرانه شوند. در این پژوهش دو سبک مدیریت معلمان یکی سبک اقتدارگرا و دیگری سبک استقلال‌گرا مورد توجه است. معلم آزادمش، کنترل و محدودیت کمی بر دانش‌آموزان دارد. او تلاش می‌کند به احساسات دانش‌آموزان آسیبی نرساند، اگر دانش‌آموزی مزاحم کلاس می‌شود، ممکن است فرض کند که او توجه کافی به دانش‌آموز نداشته است، وقتی دانش‌آموزی حرف او را قطع می‌کند، او بر این باور است که دانش‌آموز مطمئناً چیز با ارزشی برای گفتن در کلاس دارد. چنین معلمی انضباط پیشنهادی را می‌پذیرد، با دانش‌آموزان سر و کله می‌زند و خیلی مراقب آنهاست. او بیشتر متوجه احساسات دانش‌آموزان است تا این‌که آن‌ها را کنترل کند. بعضی اوقات تصمیم‌گیری‌های کلاسی‌اش را بیشتر بر اساس احساسات دانش‌آموزان تنظیم می‌کند تا بر مسائل آموزشی. او می‌خواهد دوست

دانش‌آموزان خود باشد. او حتی ممکن است روابط خارج از کلاس را تشویق کند. بر عکس معلمی که در مدیریت کلاس خود از سبک اقتدارگرایانه استفاده می‌کند، دانش‌آموزان را بسیار محدود و آن‌ها را کنترل می‌کند، دانش‌آموزان غالباً در تمام مدت آموزش در صندلی‌های خود می‌نشینند، این معلم به ندرت اجازه خارج شدن از کلاس را به دانش‌آموزان می‌دهد و هیچ عذری را برای غیبت نمی‌پذیرد، غالباً کلاس او آرام است، دانش‌آموزان می‌دانند که نباید مزاحم معلم شوند، آنان نباید هیچ صحبت و یا بحثی در کلاس داشته باشند. این معلم انضباط سخت را ترجیح می‌دهد و انتظار اطاعت محض دارد، ایستادن در برابر این معلم، منجر به نگهداری دانش‌آموز در مدرسه و یا ارجاع موضوع به دفتر مدیر مدرسه می‌شود، در این کلاس دانش‌آموزان دستورها را مستقیماً دریافت می‌کنند و حق هیچ‌گونه سؤال ندارند. هم‌چنین او هیچ کوششی برای سازماندهی فعالیت‌های آموزشی در کلاس انجام نمی‌دهد و این احساس را دارد که موارد ذکر شده مانع یادگیری دانش‌آموز می‌شود، وی اعتقاد دارد که دانش‌آموزان باید فقط به سخنرانی او برای کسب اطلاعات ضروری گوش دهند. احتمالاً دانش‌آموزان کلاس او از شروع فعالیت بیزارند، برای این‌که آن‌ها احساس ضعف می‌کنند و اعتماد به نفس لازم را ندارند. این معلم به دانش‌آموزانش می‌گوید چه کار کنند و چه وقت کار کنند. او خود تمام تصمیمات کلاس را می‌گیرد. بنابراین سبک مدیریت او به ندرت باعث پیشرفت انگیزه یا تنظیم اهداف مشخصی می‌شود.

و در پایان، این پژوهش درصدد است که با توجه به نحوه رفتار معلمان در کلاس و نحوه مدیریت آن به عنوان بخشی از برنامه درسی پنهان و نیز تأثیری که می‌تواند بر تأییدجویی دانش‌آموزان داشته باشد و این تأییدجویی نیز پیامدهای خاص خود را به دنبال دارد به بررسی نحوه مدیریت کلاس معلمان در مدارس و تأثیر آن بر تأییدجویی دانش‌آموزان بپردازد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

نظام‌های آموزشی غایات و اهدافی دارند که تعامل و یکپارچگی تمامی مؤلفه‌ها و عناصر برنامه برای رسیدن به آن‌ها ضروری است. در همین راستاست که اطمینان از اثربخشی بایسته این تعاملات، رکنی اساسی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی تلقی شده است (مهرام و همکاران، ۱۳۸۵). تربیت پدیده‌ای پیچیده و به غایت ظریف است که تحت تأثیر عوامل گوناگون شکل می‌گیرد. لذا نمی‌توان آن را منحصرأً محصول برنامه‌های رسمی آموزشی دانست. به دیگر سخن صرف تحلیل این برنامه‌ها برای شناسایی عناصر تشکیل دهنده فرهنگ مدرسه، وافی به مقصود نیست و باید در کنار آن و شاید

مهم‌تر از آن، به برنامه درسی ضمنی یا پنهان مدرسه نیز پرداخته شود. آنچه که طراحان و برنامه‌ریزان درسی در نظام آموزشی برای رشد و تربیت دانش‌آموزان طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند، برنامه درسی رسمی است. برنامه‌های درسی اهداف آموزشی مدون و آشکار دارد، سؤال اساسی این است که آیا مجموعه یادگیری‌های فراگیران محدود به برنامه درسی رسمی است؟ خیر. عوامل دیگری که جزء برنامه درسی نیست و از دید و مشاهده برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی پنهان است، وجود دارد که بر فکر و عواطف و رفتار دانش‌آموزان اثر می‌کند و در اغلب موارد مؤثرتر از برنامه درسی رسمی عمل می‌کند (مهرمحمدی، ۱۳۸۱). همان‌گونه که منابع تخصصی و یافته‌های تحقیقاتی حوزه برنامه درسی نشان می‌دهد، محیط اجتماعی مدرسه مهم‌ترین عامل شکل‌گیری برنامه درسی پنهان است. اما در کشور ما تاکنون تلاشی در این زمینه صورت نگرفته است (علیخانی و مهرمحمدی، ۱۳۸۴). در زمینه اهمیت برنامه درسی پنهان، دیویی عبارت مشهوری دارد که به خوبی نشان می‌دهد اهمیت این مفهوم از کجا ناشی می‌شود او می‌گوید ((یکی از بزرگترین مغالطه‌های تعلیم و تربیت امروز این است که دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت گمان می‌کنند که بچه‌ها در مدرسه آن چیزی را می‌آموزند که آن‌ها اراده کرده‌اند)). معنی این سخن آن است که اگر نیک بنگریم و اگر به عمق تجربیاتی که بچه‌ها به آن دست پیدا کرده‌اند توجه کنیم، خواهیم دید که خیلی چیزهای دیگر نیز بچه‌ها یاد گرفته‌اند و اتفاقات دیگری نیز در مدرسه افتاده است که چه بسا مطابق با اراده و خواست متولیان مدرسه و نظام نبوده است (مهرمحمدی، ۱۳۸۷). اکثر صاحب‌نظران برنامه‌ریزی درسی در تقسیم‌بندی انواع برنامه‌های درسی که در مدارس اجرا می‌شود به برنامه درسی پنهان به عنوان یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها اشاره نموده‌اند و ضرورت توجه به آن را برای برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های درسی روشن ساخته‌اند. برنامه درسی پنهان احتمالاً باید در بسیاری از جنبه‌ها از برنامه درسی آشکار مؤثرتر باشد، آموزه‌های آن مدت زمان بیشتری در حافظه باقی می‌ماند، زیرا بسیاری از سال‌هایی را که دانش‌آموزان ما در مدرسه حضور می‌یابند به صورت فراگیر و منظم پوشش می‌دهد و آموزه‌های آن روزها به نحوی پایدار می‌باشند (داوودی، ۱۳۷۹). همان‌گونه که در قسمت بیان مسئله ذکر شد یکی از ابعاد برنامه درسی پنهان، نحوه مدیریت کلاس معلمان در مدرسه است. و در ارتباط با این بُعد از برنامه درسی پنهان می‌توان این‌گونه بیان کرد که، هر چقدر دانش‌آموزان در مدرسه و کلاس درس به حساب بیایند و هر چقدر آن‌ها در مسائل مربوط به مدرسه و کلاس مشارکت داده شوند و از توانمندی‌های آن‌ها استفاده شود، کمک خواهد کرد که آن‌ها اعتماد به نفس بیشتری پیدا

کنند و عوامل مدرسه و معلمین را منصف‌تر بدانند، این کار سبب نزدیکی بیشتر عوامل مدرسه به دانش‌آموزان می‌گردد. علاوه بر این توانمندی‌های آن‌ها را رشد داده و اعتماد به نفس دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. متأسفانه در برخی موارد مشاهده می‌شود که معلم بین دانش‌آموزان تفاوت می‌گذارد و با روش‌های مدیریتی خود از یک سو باعث اختلاف و دودستگی در بین دانش‌آموزان می‌شود و از سوی دیگر باعث می‌شود که دانش‌آموزان احساس حقارت کنند و اعتماد به نفس خود را از دست دهند. بنابراین مدیریت کلاس درس یکی از مهم‌ترین مسایل در تنظیمات آموزش و پرورش و مورد نیاز برای بررسی اعتقادات و اعمال مدیریت کلاس درس معلمان است (ویلماز^۱ و کاواس^۲، ۲۰۰۸).

علاوه بر این یکی از احتیاجات اساسی روانی کودکان و نوجوانان تأیید شدن توسط دیگران است. کودکان و نوجوانانی که از تأیید والدین و مربیان خود محروم باشند در خانه و در مدرسه احساس ناامنی می‌کنند، از زندگی لذت نمی‌برند، اغلب سرد و خشک و نسبت به دیگران بی‌مهر هستند، کمتر به اصول اخلاقی مقید هستند و از نظر اعتماد به نفس نسبت به دانش‌آموزانی که توسط دیگران تأیید شده‌اند در سطح پایین‌تری قرار دارند. همه دانش‌آموزان در یک چیز با هم مشترک‌اند و آن این‌که همه با هم فرق دارند! این تفاوت‌ها در واقع متمایز کننده دانش‌آموزان از یکدیگر می‌باشد. گاهی اوقات تعدادی از آموزگاران این واقعیت را به فراموشی سپرده و از همه دانش‌آموزان انتظار رفتاری یکسان و استاندارد را دارند، در صورتی که با عنایت به ساختار شخصیتی هر فردی، نوع خاصی از رفتارها را ارائه می‌نماید و در مواردی که این رفتارها باعث آسیب به فرد یا اطرافیان گردد وظیفه معلمان، مشاور و والدین است که با به رسمیت شناختن این رفتارها به عنوان یک مسأله، شناخت علل واقعی آن و در نهایت، به دنبال مدیریت رفتار مورد نظر باشند. اهمیت مدیریت کلاس و نقش آن در تدریس اثر بخش زمانی بیشتر آشکار می‌شود که مشاهده می‌شود که مربیان و مدرسان مبتدی، زمان زیادی را صرف سازماندهی و مدیریت کلاس می‌نمایند و تا زمانی که نتوانند کلاس خود را به درستی سازماندهی و مدیریت نمایند نمی‌توانند توجه و تمرکز خود را به فرآیند یادگیری-یاددهی معطوف نمایند (شریفیان و همکاران، ۱۳۸۶).

۱. Yilmaz

۲. Cavas

۱-۴- اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش عبارت است از برنامه درسی پنهان: شیوه‌های مدیریت کلاس معلمان در مدارس و ارتباط آن با تأییدجویی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر سنندج که می‌توان آن را به صورت اهداف جزئی به شرح ذیل بیان کرد:

۱) شناسایی ارتباط بین شیوه‌های مدیریت کلاس معلمان با تأییدجویی دانش‌آموزان.

۲) شناسایی و طبقه‌بندی ویژگی‌های سبک‌های مدیریت معلمان اقتدارگرا و استقلال‌گرا.

۳) شناسایی و دسته‌بندی رفتارهای دانش‌آموزان در کلاس‌هایی که به دو سبک متفاوت فوق‌اداره می‌شوند.

۴) تحلیل و طبقه‌بندی گزارش‌های خود دانش‌آموزان درباره مقبولیت رفتار معلمان در هر یک از دو سبک فوق.

۱-۵- سؤالات پژوهش

۱) آیا بین شیوه‌های مدیریت کلاس معلمان و تأییدجویی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

۲) معلمان با سبک‌های اقتدارگرا و استقلال‌گرا، دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

۳) دانش‌آموزانی که در کلاس‌های با دو سبک فوق حضور دارند دارای چه خصوصیات و ویژگی‌های رفتاری هستند؟

۴) میزان مقبولیت هر یک از دو سبک بالا از نظر دانش‌آموزان چه اندازه است؟

۱-۶- تعریف عملیاتی واژگان کلیدی

برنامه درسی رسمی: به اعتقاد رایان^۱ (۱۹۹۳) برنامه درسی رسمی عبارت است از، تجربه‌های آموزشی برنامه‌ریزی شده مدرسه و نیز انتخاب و سازماندهی دانش و مهارت‌ها از گزینه‌هایی ممکن که در جهان خارج وجود دارند.

برنامه درسی عقیم: هر گاه نظام برنامه‌ریزی درسی برخی از مفاهیم و مسائل را عملاً در برنامه‌های درسی نگنجاند و یا مطالب گنجانیده شده در برنامه‌های درسی یا کتاب‌های درسی با سن عقلی

۱. Ryan

دانشجویان و دانش‌آموزان متناسب و برای آن‌ها قابل فهم نباشد، برنامه درسی را برنامه درسی عقیم می‌نامند (عباس‌زادگان، ۱۳۷۶ ص ۱۳).

برنامه درسی پنهان: همه عقاید، ارزش‌ها و ادراکاتی که در دانش‌آموزان در یک مؤسسه آموزشی تصویب می‌شوند، نه از طریق تدریس رسمی، بلکه ناخودآگاه، به وسیله آنچه که دانش‌آموزان به‌طور ضمنی از مؤسسه آموزشی کسب می‌کنند (کونیدری^۱ و آبرنوت^۲، ۲۰۰۸).

مدیریت کلاس درس: مدیریت کلاس درس شامل توانایی‌های معلم برای سازماندهی کلاس درس و مدیریت رفتار دانش‌آموزان خود که برای رسیدن به نتایج آموزشی مثبت ضروری است می‌باشد (الیور^۳، ۲۰۰۷، ص ۱).

تأییدجویی: تقریباً در مورد همه کودکان این موضوع مصداق دارد که تحسین و تشویق بیشتر از تنبیه و عیب‌جویی می‌تواند رفتاری را در کودک نهادینه کند که بزرگسالان خواهان آن هستند. کودکانی که فقط هنگامی وجودشان احساس می‌شود که مورد انتقاد باشند، آن‌ها یاد می‌گیرند که چه کاری را نباید انجام دهند، ولی نمی‌دانند که چه کاری را باید انجام دهند.

۱. Konidari
۲. Abernot
۳. Oliver